

به نام خدا

دفتر ششم

شوقِ فراق

نرشد روی پیش ساختگرا
در پست ما رئیس ایران
و جهان

امیر سبحانی (محمود)

گفتمان اندیشه معاصر

۱۳۹۷

۲۰۱۸

سرشناسه : سبحانی، امیر، ۱۳۳۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : شوق فراق / امیر سبحانی.
 مشخصات نشر : گفتمان اندیشه معاصر / ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۲۵۴ ص.
 شابک : ۱- ۷۶- ۶۰۸۴- ۶۰۰- ۹۷۸-
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا
 یادداشت : عنوان دیگر: نوشداروی پیش ساختگرا در
 ت مدرنیسم ایرانی و جهان
 عنوان دیگر : شوق فراق.
 موضوع : فاجعه
 رده بندی کنگر : ۱۳۹۳ ۹ش ۲۴/ ۲/ ۸۳۱ B
 رده بندی دیویی : ۹۷/ ۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۷۴۸۳۱



گفتمان اندیشه معاصر

۰۹۱۲۲۵۱۳۲۲۸

gofتمان۵۴@hotmail.com

gofتمان۵۴@yahoo.com

www.Gofتمان۷۶.ir

شوق فراق

امیر سبحانی «محمود»

نوشداروی پیش ساختگرا در پست مدرنیسم ایرانی و جهان

شابک: ۱- ۷۶- ۶۰۸۴- ۶۰۰- ۹۷۸- شمارگان: ۱۰۰۰

300000

فهرست مطالب

- ۱- پیش گفتار (دفتر ششم) / ۱
- ۲- رشته و شیطان / ۷
- ۳- فرشت غنیمت است / ۱۱
- ۴- انتخاب / ۱۵
- ۵- لمرش / ۶۰
- ۶- دانیال / ۷۸
- ۷- انتخاب (امر و حق) / ۷۲
- ۸- ایده / Ide'e / ۸۱
- ۹- نقش دوروی سکه / ۱۰۰
- ۱۰- گفت و شنود و گفت / ۱۰۷
- ۱۱- وقایع مستند و تأثیرگذار معاصر / ۱۱۱
- ۱۲- رهایی / ۱۴۷
- ۱۳- طرح مستند / ۱۴۹
- ۱۴- شور جنسی (لیبی‌دو (li-bi-do) یا آلت مذهبی (T'hou) / ۱۵۰
- ۱۵- امتنان یا اعتذار / ۱۷۱
- ۱۶- دولت - ملت ها و قوانین بین الملل / ۱۸۳
- ۱۷- نواقص (جمع نقیصه) معضل / ۱۹۳
- ۱۸- دامان باد / ۱۹۹
- ۱۹- جهانی بهتر از جهان ما / ۲۱۹
- ۲۰- یادی از دختر / ۲۵۳

۱ پیش گفتار (دفتر ششم)

چندین است. نوشتار دفتر پنجم با عنوان کتاب «بر عرشه تیبا (پرداشی بسط مین)» به پایان رسیده، در دست تایپ نهایی، ویراستاری - ویرایش و آماده شدن برای تسلیم به ناشر محترم (گفتمان اندیشه معاصر) جهت انجام تشریفات مجوز و باری چاپ، نشر و توزیع می گردد. شایسته و به واسطه آن تلاش و پی گیری های صمیمانه دوست جوان - پر تلاش و علاقه به ساحت نشر و ادب و فرهنگ که خود او نیز با انتشار مقالات و نشریات از جمله مروجین عرصه ی هنر شعر، نویسندگی، کوشا و اوقات زندگی با ادب کنار همسر و دوستان همفکر در این حیطه صرف، حقاً با خلوص و صراحت، کاری های گریبانگیر عرصه ی نشر را با دل و جان مبادله و مادیات را بر سرش معنا به پیشینیان راحت پیشیه و فراخ کیسه ی دوران در نفع این سنگین با ترازوی عقل و عدل به وجد وجود و بذل توجهات دوستداران، همکاران و... چه بسا از نزدیکان عزیز زندگانی اش مایه گذارده، صمیمانه تشکر، سعی اشان قابل و جداً دور از تصور، عزمی جزم نموده تا اوقات باقی، ذوق نوشتاریم را در کنارشان سپری و سهمی برای چرخش این دوندگی قطعاً با ثمر، در خور اختصاص، باشد که پروردگار عالم

توجهات و عنایاتش شامل حال و احوال ما، آنان و همگی جاندار و بی جان و طبیعت سر سازگار با آنچه سرنوشت تعریف کرده، همانگونه که بوده و اینکه هست و آنچه حال و در آینده می آید، داشته باشد...

مرا نیز بیش از این اندیشه راهی فرا رو نمی نهد
 دلداده عقل، عقل را در دلش که خوانده است
 جمن که تجربه کشف کند-درکی است زایه راه
 طقه نه بیش از حقیقت در نوشتار واقعیست

در گفتارمان پیشین بی وقفه، شنودن به فراموشی دچار و گاه وابسته به اهمیت و گاهی اثر به منزله ی یادآوری های پیشین، در خاطره ماندگار و هنگام نوشتار، نویسنده یاری می شود.
 طبایع مستقلاً و بی واسطه بروز نمی کنند. ایده یا تصمیم مسئولانه، با وسیله قرار دادن نوشتار، دانسته خاطرات را واکاوی، به ذهنیتی واخوانده نزدیک و به مدد دانش زبان، رخنه هنر موزائیک جداسازی متن و خارج از آن بازخوانی و احیاناً به راه بدنی تر از گفتار قرار دهد.

نیازمند گفتن است: قبل از آنکه اوقاتم را صرف نوشتن نهانیم؛ گفتار عاداتی خود آموخته و یا دیگر آموختگان دوران نوجوانی و استفاده از آن در برقراری ارتباط (گفتگو) پس از شنیدن بر سر کلاس درس و یا در بین گفته ها و شنیده ها، طرح سؤال و شنیدن پاسخ و دوباره سؤال و شنیدن پاسخ های مناسب، تجربه ی گفت و شنود و یادار ادامه ی آن ها «گفتگو» را سهل تر از نوشتن، که زمانی نامه نگاری و توجهی خاص به نگارش در زیر عناوینی تعیین شده، واحد تحصیلی

ادبیات (معنای لغات- دیکته- دستور زبان و انشاء) به خود اختصاص داده بود. بی تردید «انشاء» یکی از برنامه های خود انگیزاننده تبدیل گفتار با تأملاتی قاعده مند، ضمن رعایت قواعد (دستور) زبان در شناسایی و شناساندن پیام هنرمندانه احساسات و انتقال درک خود آموخته و دگر آموزش دهندگان انتقال تفکر به عرصه ی اندیشه ای پویا و خلاقیت آمیزتر از آموخته های پیشین، نمایان کردن و کسب آمادگی بیشتر به منظور درک احساسات و مفاهیم منطقی، حقیقی و عینی ترکه «واقعیت» مگذاران می شود؛ بوده است.

به یاد دارد دانش آموخته ی دروس علمی، عملی و یا برخی دروس نظری، رسدیت در نهفته با تابعیت کلمات، نشانه ها و یا اعداد را، خلاقانه، تعبیر، نقد، یا تبدیل به صورت مسئله و یا راه حلی جدا از پیش فرض های متون مدرسی، دانش را به رخ راه حل های مناسب تری، ارائه داده باشد در حالیکه نوشتار در زیر عنوان تعیین شده، آزادانه، اغلب فراتر از رسمیت قابل ارزیابی و مقایسه با قواعد (دستور) زبان، بالاترین امتیاز تحصیلی را نصیب نگارنده و در همان حال کمتر متونی توانسته اند حداکثر امتیاز تحصیلی نمره ی حد نصاب (۲۰ یا ۳۰) را به خود اختصاص و قیاس متون با یکدیگر نیز با کسب معیار منطقی از حداکثر امتیاز، با رضایت نگارنده توأم بوده است.

یادآوری عناوین آزاد برای نگارش، مدرسین را آسان و نگریده را مسئولانه تر در مسیر تشخیص، و تخلقات متناسب با استعدادهای نهفته ی دانش پژوهان، هنرمندان و علاقمندان به حرفه و فنون متناسب در عرصه ی کارآمدی آنها قرار داده است.

هنگامیکه می‌نویسم، با خویشتنم گفتگو می‌کنم و زبانمان یکی است. وقتی فرصت گفتار با دیگری دست می‌دهد... شنونده با سکوت خود آگاهانه چشمان خویش را، بی‌آنکه بداند در نگاه خود آگاهانه‌ام خیره، سکوت و انتظار شنیدنش، کلام را با زبان دیگری می‌شنود که پیش‌تر تجربه‌ی درک آن را در سر گذرانده، سکوت به منزله‌ی تأیید و گفتگو با آن تردید است، نوشتار همواره به نویسنده و خواننده زمان تجربه‌ی ده‌ها زمان مندی مشخصه‌ی بارز گفتار و در وضعیتی متفاوت، نوشتار در بی‌زمانی آماده بودن پیام در مکان مناسب به تنهایی سپردن خود دیگری با آریشتی و خواننده نیز با عبور از زمان. در مکان خلوت خود با خویشتنش نشست و فرصت نقد نوشته در نازمان مندی، مکان‌مند، اختیار خود را به خویشتن سپرده و در (محضر) جایگاه نویسنده نشستن است.

خوانندگان زبان حالی نوشتار با زمان حالی دریافت‌های خود نزدیک، آنچه از حوصله و ظرفیت حافظه فاصله گرفته اند، در حافظه‌ی نوشتار باقی دیده اند. بازگشت و بازیابی در نوشتار سهل‌تر، در گفتار نیازمند حضور متقابل و نظم امواج (آواها) و آمادگی (سیکل) شنوایی‌ها توأم با حالاتی همسو، همزمان، به شدت زمانی و مکانی، پیناساختگرا در نوشتار) و پس‌اساختگرا (در گفتار کمتر) متجلی، از این رو عرصه‌ی نوشتاری در برقراری ارتباط ذهنی، تفکر و بسط اندیشه مدغن، فراگیر و ماندگار، در حالیکه گفتار؛ به منزله هشدار، شنونده را به تجارب با اهمیت گذشته، شنونده را برای فزون طلبی دریافت‌ها به نوشته (متن مستند) ارجاع می‌دهد.

قبل از اینکه گفتار قاعده‌ی زبان و سعی به رخ کشاندن حرف و ترکیب نمودن حروف به کلمات و تداعی معانی تصاویر و اصوات، رخداد نظر و یا بیانگر وقایعی باشند که شخصاً به مقصد دیگری انتقال داده یا می‌دهیم نشانه‌ها و تصاویر پر دوام، ماندگارتر از تبدیل به گفتار و نوشتار از این به آن و همین و همان (هم پوشاننده) بر کسی پوشیده نیستند و همواره در انتظار دریافت به و یا به وسیله‌ی عضوی از اعضاء (چشم، زبان، گوش، ذهن، هوش، تفکر) و سرانجام بروز اندیشمندانه‌ی دیگری اند. پیش گفتار نمودن از نمادهای پیش نظاره و شنیده و خوانده شده و چکیده‌ای از آن‌ها را برگزیندگویی - خود اظهاری، واگویی یا واخوانی‌های از گذشته در ذهن بقیه مانده است.

پیش گفتار این همان بخشی از گفتارهای در ذهن مانده و ضبط شده‌ی ناتمام در حافظه‌ی سنجاری است. از خود به دیگری است. تبدیل گشتن بخشی از گفتارها به در همین حال واگویی با قاعده‌ای نوشتاری برآمده از انعکاس واژه در ذهنیت به خود آگاه آمدن در مسیر تفکر اوست؛ اکنون با انتخاب این سرسل آغاز مکانی ثابت به زمان آینده سپرده، فردای نوشتار را اینگونه آغاز می‌کند.

پیش گفتارها در واقع بازگو کننده‌ی نشانه، تصاویر و زبانها و حالات ناگفته‌ی آتی‌اند. جنینی، درونی با ذخایر و از وسایل انباشته‌ی از پیش گفته، شنیده، و خوانده شده‌ی مفهوم و یا هنوز نیازمند فهم ندیده در معرض تولداند و از این رو با نشانه، تصاویر و کلماتی که از این پس فهمیده و نوشته می‌شوند؛ نوزاد و نیازمند مراقبت، ملاحظت، خلقت پیشه، خود انگیزخته، عطوفت پیشه، خودانگیزاننده، شادی بخش و مفرح‌اند.

در آستانه‌ی دربی هنوز بسته و در انتظار نشانه‌ها، تصاویر-
گفتگوها، شنیدارها و عاقبت بازنمایی نوشتارها از زبان خود و با زبان از
آموخته‌های دیگری نشسته‌اند.

حکیده‌ای (مختصر) بذری حاصل از گفتار و نوشتارهای قبل ،
با آورده‌ای در معرض بارآورتر شدن . پیش گفتارها ، نوشتارها را به
تصاویر ، شنیدار ، شنیدار و عاقبت متونی که بیرون از آنها چیزی دیده ،
گفته شنید و بازنوشته نشده ، نیست. هیچ خارج از متنی وجود ندارد
و همه چیز با پیش گفتار آغاز و با نوشتار و خوانش و فهم متناسب آن ،
تمام می شود.

امیر سبحانی (محمود)